

ارزیابی قیاسی مولفه‌های پایداری اجتماعی در دانشکده‌های هنر و معماری با تاکید بر رضایتمندی کاربران (مطالعه موردی: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی)*

منصوره فرخی**، راضیه لبیب زاده***، حسین ذبیحی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹

چکیده

فضاهای کالبدی دانشگاهی به‌عنوان بستر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، تجربه زیسته آموزشی و شکوفایی حرفه‌ای دانشجویان، نقشی کلیدی در ارتقاء کیفیت آموزش عالی ایفا می‌کنند. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی تطبیقی مولفه‌های پایداری اجتماعی مکان و سنجش میزان رضایتمندی کاربران، دو نمونه موردی از دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی) را مورد بررسی قرار داده است. روش تحقیق از نوع توسعه‌ای-کاربردی، مبتنی بر رویکرد ترکیبی کیفی-کمی می‌باشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و به‌کارگیری تکنیک آنتروپی شانون، امکان رتبه‌بندی و مقایسه شاخص‌ها را فراهم ساخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که در مولفه «ایمنی و امنیت»، واحد علوم و تحقیقات عملکرد بهتری داشته، در حالی که سایر مولفه‌ها از دیدگاه دانشجویان واحد تهران مرکزی، وضعیت مطلوب‌تری دارند. نتایج پژوهش ضمن تبیین شکاف‌های ادراکی کاربران نسبت به کیفیت محیطی، می‌تواند در تدوین سیاست‌های ارتقاء کیفیت فضایی-کالبدی فضاهای آموزشی موثر واقع شود.

واژه‌های کلیدی

پایداری اجتماعی مکان، دانشکده هنر و معماری، کیفیت فضایی، واحد علوم و تحقیقات، واحد تهران مرکزی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تبیین مدل راهبردی ارتقاء کیفیت فضایی کالبدی دانشکده هنر و معماری با رویکرد پایداری اجتماعی، مورد پژوهی دانشکده‌های منتخب هنر و معماری ایران" می‌باشد که با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، در دست انجام است.
** دانشجوی دکتری معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Mansoureh.farokhi@iau.ir

*** استادیار گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات).

Email: labibzadeh11@iau.ac.ir

**** دانشیار گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: h.zabihi@srb.iau.ir

مقدمه

توسعه پایدار مفهومی جامع است که تعامل میان ابعاد اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی را در چارچوبی یکپارچه دنبال می‌کند (رشنوفر و همکاران، ۱۳۹۴). در این میان، پارادایم پایداری به‌ویژه در معماری معاصر جایگاهی کلیدی یافته‌است (بدری بنام و همکاران، ۱۳۹۸). پایداری اجتماعی به‌عنوان یکی از ارکان این پارادایم، با تأکید بر تأمین نیازهای انسانی و ارتقای کیفیت زندگی مطرح است (رجبی و سبحانی، ۱۳۹۵). در معماری، پایداری اجتماعی به ظرفیت فضاهای کالبدی در پاسخ به چالش‌ها و تغییرات محیطی اشاره دارد و بر تأثیر فرهنگ و رفتار کاربران در شکل‌گیری فضا تأکید می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۶؛ بدری بنام و همکاران، ۱۳۹۸). این رویکرد به طراحی فضاهایی منجر می‌شود که ارتباط بلندمدت انسان و محیط را حفظ کرده و پایداری اجتماعی را تضمین می‌کند. اهمیت این مفهوم در فضاهای آموزشی به‌ویژه در دانشگاه‌ها دوچندان است، زیرا دانشگاه‌ها ساختاری اجتماعی-فرهنگی دارند که در آن تعاملات و مناسبات میان دانشجویان و اساتید شکل می‌گیرد (قانع‌راد و ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۹). کیفیت فضای آموزشی تأثیر مستقیمی بر کیفیت آموزش دارد و نبود تعامل موثر، عملکرد آموزشی را تضعیف می‌کند (یزدی و احمدی، ۱۳۹۰؛ وزیری، ۱۳۹۰). در دانشکده‌های معماری که ماهیتی تجربی و خلاقانه دارند، محیط باید علاوه بر پاسخگویی به نیازهای عملکردی، امکان تعامل و بازخورد را نیز فراهم کند (رحیمی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۵؛ علی‌الحسابی و نوروزیان ملکی، ۱۳۸۷). کیفیت فضایی مناسب در این دانشکده‌ها می‌تواند احساس تعلق و رضایت دانشجویان را افزایش داده و مشارکت آن‌ها در فرآیند یادگیری را بهبود بخشد. با توجه به کمبود پژوهش‌های جامع در این حوزه، مطالعه حاضر با بهره‌گیری از روش دلفی، به شناسایی و تبیین شاخص‌های پایداری اجتماعی مکان پرداخته و دو دانشکده منتخب از دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی) را از منظر کیفیت فضایی و دیدگاه دانشجویان مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌دهد.

بیان مسئله

پایداری اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار، بر تعاملات انسانی، مشارکت اجتماعی و حفظ کیفیت زندگی در محیط‌های کالبدی تأکید می‌کند. این مفهوم در بسترهای آموزشی، به ویژه دانشکده‌های هنر و معماری، با توجه به نقش ویژه تعامل میان فضای فیزیکی و کاربران، اهمیت دوچندانی می‌یابد (Sharifi, 2019). مطالعات اخیر نشان داده‌اند که طراحی محیطی که بتواند حس تعلق، امنیت روانی و فرصت‌های رشد فردی و گروهی را افزایش دهد،

کلید موفقیت در ایجاد پایداری اجتماعی است (Dixon & Julien, 2020). پایداری اجتماعی در محیط‌های دانشگاهی نه تنها بایستی به جنبه‌های ساختاری محدود نشود، بلکه باید زمینه‌ساز توسعه فرهنگی و ارتباطات اجتماعی پایدار نیز باشد. این مقوله شامل ایجاد فضاهایی است که امکان تعامل موثر، یادگیری مشارکتی و احترام به تفاوت‌های فرهنگی را فراهم آورند (Sharifi & Yamagata, 2020). در راستای این دیدگاه‌ها، پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که توجه به نیازهای روانی و اجتماعی دانشجویان، مانند احساس امنیت، هویت مکانی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با محیط، منجر به افزایش رضایت و بهبود کیفیت فضای آموزشی می‌شود (García-Almirall et al., 2021). این عوامل می‌توانند به شکل مستقیم بر بهره‌وری تحصیلی و سلامت روانی دانشجویان تأثیرگذار باشند. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که کیفیت فضاهای کالبدی نقش مهمی در رضایت کاربران از محیط‌های دانشگاهی ایفا می‌کند. انعطاف‌پذیری فضایی، دسترسی‌پذیری و تطبیق با فرهنگ بومی از جمله مولفه‌های کلیدی پایداری اجتماعی هستند که باید در طراحی این فضاها مورد توجه قرار گیرند (Kazemi et al., 2022). از سوی دیگر، استفاده از فناوری‌های نوین در مدیریت و بهینه‌سازی فضاهای آموزشی می‌تواند به ارتقاء پایداری اجتماعی کمک کند؛ به‌ویژه در شرایط تغییرات سریع فرهنگی و اجتماعی. این رویکردها با فراهم آوردن بسترهای ارتباطی هوشمند و مشارکتی، امکان تعامل بهتر بین کاربران و محیط را فراهم می‌کنند (Lee et al., 2023). بنابراین، رویکردهای نوین در حوزه پایداری اجتماعی تأکید دارند که علاوه بر طراحی کالبدی، بایستی به ابعاد فرهنگی، روانی و تکنولوژیکی محیط نیز توجه شود تا فضای آموزشی بتواند به عنوان مکانی پایدار و پویا برای رشد علمی و اجتماعی دانشجویان عمل نماید؛ موضوعی که در پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مولفه‌های پایداری اجتماعی و رضایتمندی کاربران در دانشکده‌های هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش متشکل از سه محور به شرح زیر می‌باشد:

محور اول: تحقیقات در خصوص موضوع پایداری و پایداری اجتماعی

نسترن با استفاده از مدل ANP و روش دلفی، وزن‌دهی شاخص‌های پایداری اجتماعی را با فرض تفاوت اهمیت آن‌ها انجام داده‌اند (نسترن، ۱۳۹۲). عزیززاده کیفیت محیطی را در بستر ادراک انسانی برای طراحی فضای شهری پایدار ارزیابی کرده است (عزیززاده، ۱۳۹۴).

پژوهش‌های زیادی در زمینه موضوع پژوهش و با سه محور مذکور صورت گرفته است. گستردگی تحقیقات صورت گرفته در طی سال‌های گذشته و فقدان پژوهشی جامع در حوزه پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده‌های معماری، ضرورت تحقیق حاضر را تایید می‌نماید.

مبانی نظری

مفهوم پایداری اجتماعی و نقش آن در توسعه پایدار
از دهه ۱۹۷۰ مفهوم توسعه پایدار به منزله الگوی جدید توسعه متشکل از ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی ظاهر گردیده است. در این مفهوم پایداری به معنای ثبات نیست، بلکه به معنای بقاست و در این بقا تعادل میان جنبه‌های مختلف پایداری اهمیت می‌یابد (UN-HABITATE, 2004).

در توسعه پایدار، کیفیت زندگی انسان به عنوان یکی از محورهای مهم مطرح است، به گونه‌ای که تداوم زندگی با رفاه اجتماعی و بالندگی همراه باشد (موسی کاظمی محمدی، ۱۳۸۰). واژه پایداری امروزه به طور گسترده‌ای به منظور توصیف جهانی که در آن نظام‌های انسانی و طبیعی توانا بتوانند در آینده‌ای دور ادامه حیات دهند به کار گرفته می‌شوند (انصاری و همکاران، ۱۳۹۶). این معنا در برگیرنده دید و بینشی است که بر اساس ماهیت و اهداف آن، انسان خواهان گذر از وضعیتی به وضعیت بهتر است. به عبارتی، پایداری به عنوان یک حالت مطلوب یا مجموعه‌ای از وضعیت‌های مقاوم در طول زمان به شمار می‌رود (نوریان و همکاران، ۱۳۸۷). در این میان پایداری اجتماعی به عنوان مفهومی نوین در مباحث پایداری از دهه ۱۹۹۰ به خصوص پس از تدوین راهبرد اتحادیه اروپا در لیبسون در سال ۲۰۰۰ و در جلسه شورای اروپا در شهر گوتنبرگ در سال ۲۰۰۱ مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است (ملانیا جلودار و همکاران، ۱۳۹۹). این مبحث از پایداری، به مفهوم توسعه پایدار هویت تازه‌ای بخشیده و آن را وارد فضای مفهومی تازه‌ای کرده است که تا پیش از این از آن غفلت شده بود (حبیب‌پور گتایی، ۱۴۰۱). مفهومی که در آن به موضوعات اساسی عرصه‌های اجتماعی افراد و جامعه نگریده می‌شود (زنگنه و همکاران، ۱۳۹۹). مفاهیم گسترده و عمیقی، که مشتمل بر عناصر و شاخص‌های سرمایه اجتماعی، برابری و عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و ابعاد فرهنگی می‌باشد (فرح‌بخش دقیق و محمدی، ۱۴۰۰)؛ و می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فضاهای شهری و معماری مورد استفاده قرار گیرد (محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۷). و با گسترش انسجام و همبستگی اجتماعی، افزایش مدارایی اجتماعی را در پی خواهد داشت (محمدی و همکاران، ۱۴۰۲). این تعریف به‌طور

چاووشی ساروی و جلالی مطهری جایگاه فرهنگ و نیازهای انسانی را در معماری بومی با تاکید بر پاسخگویی الگوهای کالبدی بررسی کرده‌اند (چاووشی ساروی و جلالی مطهری، ۱۳۹۵). نسترن و بصراوی با مرور تجارب جهانی، ویژگی‌های موثر بر شکل‌گیری جامعه‌ای پایدار را شناسایی کرده‌اند (نسترن و بصراوی، ۱۳۹۵). حسن‌زاده و فرخ‌زاد شاخص‌های پایداری اجتماعی را با در نظر گیری فرهنگ و نیازهای انسانی معرفی کرده‌اند (حسن‌زاده و فرخ‌زاد، ۱۳۹۶). شیعه و همکارانش ۲۳ کد موثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی را در قالب پنج دسته: فعالیت‌پذیری، امنیت، هویت‌مندی، مردم‌داری و یکپارچگی کالبدی استخراج کرده‌اند (شیعه و همکاران، ۱۳۹۶). نوری به ارتباط مفاصل معماری و شاخص‌های پایداری پرداخته است (نوری، ۱۳۹۸). حاجی‌آقابرگ و همکارانش شاخص‌های ارتقاء حس دلبستگی در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی را بررسی کرده‌اند (حاجی‌آقابرگ و همکاران، ۱۴۰۰). دیکسون و کولانتونیو^۱ ضمن تحلیل شاخص‌ها، شیوه‌های نظارت بر پایداری اجتماعی در بازسازی شهری اروپا را بررسی کرده‌اند (Dixon, Colantonio, 2009). دمپسی و همکارانش^۲ نیز شاخص‌های کالبدی مانند کیفیت محیط، دسترسی‌پذیری و همسایگی پیاده‌مدار را مولفه‌های کلیدی پایداری اجتماعی دانسته‌اند (Dempsey et al., 2009).

محور دوم: پژوهش‌های مرتبط با ارتقاء کیفیت کالبدی و محتوایی دانشکده‌های معماری

ندیمی ضرورت برنامه‌ریزی راهبردی و تقسیم کار میان دانشکده‌های معماری را در برابر رشد کمی و کاهش کیفیت آموزش معماری کشور مطرح کرده است (ندیمی، ۱۳۸۴). اسلامی و نقدبیشی به مدل‌سازی راهبردهای ساختاری در دانشکده معماری دانشگاه تهران پرداخته‌اند (اسلامی و نقدبیشی، ۱۳۹۱). رحیمی و قاسم‌زاده مولفه‌های موثر بر کیفیت فضای دانشکده‌های معماری را از دیدگاه دانشجویان بررسی کرده‌اند (رحیمی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۵). فکورین و حمزه‌نژاد طراحی محیط‌های آموزشی معماری را با تمرکز بر تاثیر خلاقیت دانشجویان در چهار پردیس مختلف معماری مقایسه کرده‌اند (فکورین و حمزه‌نژاد، ۱۳۹۷).
محور سوم: منابع مرتبط با پایداری اجتماعی در فضای معماری
علیتاجر و زارعی حاجی‌آبادی نقش محیط ساخته‌شده را در تعاملات اجتماعی دانشجویان معماری در فضاهای غیررسمی موثر دانسته‌اند (علیتاجر و زارعی حاجی‌آبادی، ۱۳۹۵). بدری بنام و همکاران در پژوهشی بر اساس مصداق دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تبریز، عوامل موثر بر پایداری اجتماعی مکان را شناسایی و اولویت‌بندی کرده‌اند. همچنین، در پژوهش دیگری الگوی برای ارتقاء کیفیت مکان در فضاهای آموزشی از طریق پایداری اجتماعی مکان ارائه شده است (بدری بنام و همکاران، ۱۳۹۸).

عمده با ابعاد کیفی همراه بوده و با مفاهیمی همچون زندگی انسانی و احساس رفاه ارزیابی می‌گردد، به گونه‌ای که به حفظ و بهبود سرمایه اجتماعی، شکل‌دهی جوامع همگن و یکپارچه با منافع متقابل و تعامل میان گروه‌های مردمی منجر گردد (GoodLand, 2003). پایداری اجتماعی مجموعه وسیعی از نیازهای انسانی را به گونه‌ای برطرف می‌کند که طبیعت و قابلیت‌های آن در دوره زمانی طولانی حفظ شود و ادعاهای هنجاری عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و مشارکت برآورده گردد (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین به منظور دستیابی به مولفه‌های پایداری اجتماعی و تبیین مدل‌های مفهومی و راهبردی آن بایستی به چگونگی ارتباط میان افراد جامعه و جوامع توجه نمود (محمدی سرین دیج و همکاران، ۱۴۰۲).

مفهوم پایداری اجتماعی در فضا و مکان معماری

پایداری اجتماعی مفهومی چندبعدی در جامعه انسانی است که در ارتباط تنگاتنگ با فضای زیست انسان‌ها، تعاملات اجتماعی و همبستگی بین فردی معنا می‌یابد. در این راستا، توجه به رویکردهای فضا محور و کالبدی در درک و ارزیابی شاخص‌های موثر بر کیفیت فضاهای معماری، اهمیت ویژه‌ای دارد (حمزوی، ۱۳۸۹). طی سه دهه اخیر، معماری هم‌راستا با علوم اجتماعی به بررسی مسائل اجتماعی پرداخته و پایداری اجتماعی را با نیازها و رفتارهای انسانی پیوند زده است (چاووشی ساروی و جلالی مطهری، ۱۳۹۵). پایداری اجتماعی زمانی در یک فضا محقق می‌شود که کالبد آن بتواند محیطی متعادل، پویا و پاسخ‌گو به نیازهای کاربران فراهم آورد (ملانیا جلودار و همکاران، ۱۳۹۹؛ Chan and Lee, 2008). پایداری اجتماعی، فراتر از مفاهیمی چون عدالت و سلامت، مفاهیمی همچون شادی، کیفیت زندگی و رفاه را نیز در بر می‌گیرد (Colantonio, 2009) و در بستری از ساختارهای کالبدی-اجتماعی، متأثر از عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شکل می‌گیرد (Manzi et al, 2010)؛ از این رو، معماری به‌مثابه بستر تعاملات اجتماعی، می‌تواند در ارتقاء سلامت روانی، برقراری روابط اجتماعی و تحقق اهداف پایداری موثر باشد (صادقی نیارکی و صانیعیان، ۱۳۹۴؛ چاووشی ساروی و جلالی مطهری، ۱۳۹۵).

پایداری اجتماعی در فضاهای کالبدی با افزایش ظرفیت مکان برای پاسخ به چالش‌ها، شکل‌گیری همبستگی اجتماعی، تقویت تعلق مکانی و ارتقاء کیفیت مکان پیوند دارد (جاودان و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۹). هدف نهایی آن نیز رضایتمندی کاربران از کیفیت محیط با در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی است (شیعه و همکاران، ۱۳۹۶). در این زمینه، طراحی معماری باید نیازهای اساسی انسان، اولویت‌های کیفی، و تعامل الگوی کالبدی با الگوی زیست‌محیطی را لحاظ کند (شجاع و سجاده‌زاده، ۱۳۹۴).

به اعتقاد ضرغامی تحقق پایداری اجتماعی مکان، در گرو رضایت کاربران از فضا، احساس تعلق، و مشارکت در نگهداری محیط است؛ امری که موجب افزایش عمر مفید فضا و حداکثر بهره‌وری می‌شود (ضرغامی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، مشارکت کاربران در فرآیند طراحی فضا، به‌ویژه در محیط‌های آموزشی، عامل موثری در ارتقاء حس تعلق، مسئولیت‌پذیری و تعاملات اجتماعی است (Ghisleni, 2023).

ساختار کالبدی فضاهای آموزشی نیز با ویژگی‌هایی چون سلسله‌مراتب فضایی، انعطاف‌پذیری، نور طبیعی و عناصر طبیعی، می‌تواند موجب تقویت ارتباطات انسانی، خلاقیت و مشارکت علمی شود (Peters and Groat, 2021). با وجود این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اصول پایداری اجتماعی در مرحله طراحی بیشتر از اجرا و ارزیابی نهایی مورد توجه قرار می‌گیرند؛ موضوعی که لزوم تحلیل ادراکات محیطی کاربران و بازخوردهای عملی را برجسته می‌سازد (Smith, 2022).

ضرورت توجه به کیفیت کالبدی فضای آموزش معماری (دانشکده‌های معماری)

دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی به دلیل نقش مهم در توسعه علمی، فرهنگی و اجتماعی جوامع، اهمیت ویژه‌ای دارند (قادر، ۱۳۹۰). طراحی فضای آموزشی دانشگاهی به عنوان محل شکل‌گیری روابط اجتماعی و تحقق همبستگی فرهنگی اهمیت زیادی دارد (محمودی و همکاران، ۱۴۰۲). ترنر سه عامل خوانایی، قابلیت توسعه و حس مکان را از ارکان طراحی مطلوب فضای دانشگاهی معرفی کرده است (Turner, 1996). فضای کالبدی دانشگاه نقش کلیدی در آموزش، به‌خصوص آموزش معماری دارد و باید به گونه‌ای طراحی شود که افراد را به فعالیت و یادگیری ترغیب کند (گروت و وانک، ۱۳۸۴؛ فکورپان و حمزه نژاد، ۱۳۹۷). کیفیت آموزش به تعامل دوسویه انسان و محیط بستگی دارد (وزیری، ۱۳۹۰) و تحقق پایداری اجتماعی مکان، عاملی مهم در ارتقای کیفیت محیط آموزشی است (بدری بنام و همکاران، ۱۳۹۹). در آموزش هنر و معماری، تحریک خلاقیت و پویایی ذهنی دانشجویان اهمیت دارد و مشارکت دانشجویان در خلق فضاهای جمعی، تعامل با محیط را تقویت می‌کند (محمودی، ۱۳۸۱؛ رحیمی‌مند و عباس پور، ۱۳۹۴). آموزش معماری نسبت به سایر رشته‌ها نیازمند محیطی است که بتواند دانش و تجربه حرفه‌ای را به خوبی منتقل کند (برادینت، ۱۳۸۹). تحقیقات نشان داده‌اند که طراحی داخلی و ساختار فضاهای آموزشی معماری تأثیر زیادی بر دیدگاه و ذهنیت دانشجویان دارد و کیفیت مطلوب فضا می‌تواند تداوم تاریخی آموزش را تضمین کند (Kurt, 2009).

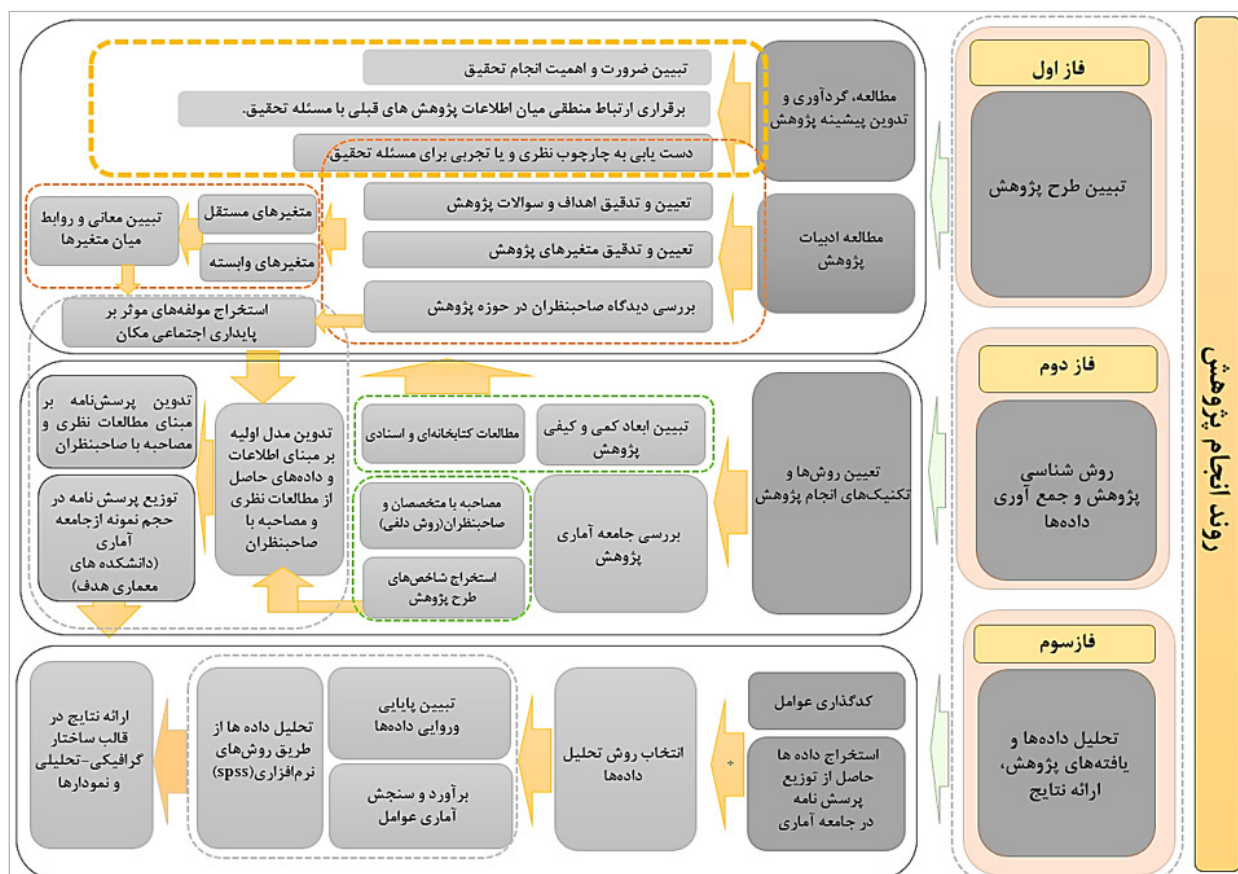
خلاقیت و شکل‌گیری هویت حرفه‌ای باشند با توجه به اهمیت فضای آموزش معماری، به خصوص در دانشکده‌ها، گمان می‌رود توجه به رویکردهای پایداری اجتماعی در ارتقا کیفیت فضایی تاثیر به سزایی داشته باشد. با این دیدگاه مولفه‌های پایداری اجتماعی مکان در دو واحد دانشگاهی هدف پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع توسعه‌ای-کاربردی، از نظر خصوصیت موضوع در دسته پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی و از لحاظ ماهیت و روش گردآوری داده‌ها در گروه توصیفی-پیمایشی قرار می‌گیرد. روش شناسی پژوهش، مبتنی بر رویکردهای کمی و کیفی با تاکید بر استدلال منطقی است. به منظور گردآوری داده‌ها در گام اول از مطالعات اسنادی و روش دلفی (مصاحبه باز) و در گام دوم به منظور ارزیابی نمونه‌های مورد پژوهش بر مبنای مولفه‌های مستخرج از مصاحبه‌ها، پرسش‌نامه‌ای تدقیق و در میان دانشجویان دو جامعه هدف توزیع گردیده است. در نهایت تحلیل و ارزیابی داده‌ها نیز با استفاده از نرم افزار Spss و Excel صورت گرفته است. به‌طور کلی این پژوهش در سه مرحله به انجام رسیده است (شکل ۱):

امروزه ساختار محیط آموزش معماری نیازمند طراحی سیال و چندلایه است که دیدگاهی گسترده نسبت به دانش و مهارت‌های بین‌رشته‌ای فراهم کند (Garip & Garip, 2012). کیفیت محیط کالبدی دانشکده‌های معماری نقش مهمی در شکل‌گیری خلاقیت، مشارکت و تجربه یادگیری دارد (Peters & Grat, 2021). انعطاف‌پذیری فضاهای آموزشی مانند آتلیه‌ها، همکاری و خلاقیت دانشجویان را افزایش می‌دهد (Wu & Zhao, 2022). طراحی فضاهای آموزشی مستقیماً بر انگیزه و رضایت دانشجویان تاثیرگذار است و محیط نامناسب می‌تواند تمرکز و عملکرد را کاهش دهد (Ahmed & Thompson, 2020). پژوهش‌های جهانی تاکید دارند که طراحی این فضاها باید عوامل اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را در نظر گیرد تا با اهداف آموزش پایدار هماهنگ باشد (González & Martínez, 2023).

در کل، کیفیت فضایی دانشکده‌های معماری فراتر از جنبه‌های کالبدی، ابزاری کلیدی برای ارتقای یادگیری، رشد فردی و توانمندسازی حرفه‌ای دانشجویان است. بر اساس رویکرد قابلیت‌ها، فضاهای آموزشی باید رشد توانمندی‌های انسانی مانند ارتباط، تعامل، امنیت، عزت نفس و مشارکت را تسهیل کنند و زمینه‌ساز پرورش



شکل ۱. روند انجام پژوهش
Figure 1. Research Process

محدوده تحقیق

جامعه آماری در پژوهش حاضر به دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی با تعداد قابل توجهی دانشجوی معماری، تحدید شده است. تعداد اعضای جامعه آماری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات ۸۰۰ نفر (تعداد کل دانشجویان معماری) و تعداد اعضای جامعه آماری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ۱۲۵۰ نفر (تعداد کل دانشجویان معماری) می باشد.

تعیین حجم نمونه

برای تعیین حجم نمونه در این پژوهش از فرمول کوکران استفاده شده است. بر این اساس، در واحد علوم و تحقیقات ۲۶۰ و در واحد تهران مرکزی ۳۰۰ پرسش نامه توزیع گردیده است.

قابلیت اطمینان ابزار تحقیق (پایایی و روایی)

روایی محتوایی پرسش نامه از طریق نظرات استادان و کارشناسان این حوزه و پایایی آن با تعیین ضریب آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفته است. هدف اساسی استفاده از آزمون آلفای کرونباخ، بررسی میزان همسانی درونی گویه های یک مقیاس است که از طریق فرآیند شاخص سازی تهیه می شود. این ضریب معرف میزان همپوشی پرسش های مختلف آزمون از لحاظ سنجش یک ویژگی مشترک است که با نام آلفا و در دامنه ای مابین ۰ تا ۱ در نوسان است (وزیری، ۱۳۹۰). مقدار آلفای به دست آمده در این پژوهش ۰/۹۴ است که نشان دهنده قابلیت اعتماد بسیار مناسب ابزار تحقیق می باشد.

الگوی تفسیر نتایج ارزیابی

روش ارزیابی مولفه های پایداری اجتماعی موثر بر کیفیت و مطلوبیت فضایی دانشکده های معماری مورد مطالعه، بر اساس چک لیست و با جمع جبری و محاسبه متوسط هر معیار در طیف ۵ گانه لیکرت صورت گرفته که از بسیار کم با امتیاز (+۱) آغاز و به بسیار زیاد (+۵) ختم می شود. گزینه های نظری ندارم از پروسه نتایج حذف گردید.

مرحله سوم: تحلیل داده های پژوهش

در پژوهش حاضر، به منظور ارزیابی میزان تاثیر گذاری مولفه های پایداری اجتماعی مکان، مستخرج از مراحل قبل در دو دانشکده هدف از دیدگاه دانشجویان، تحلیل داده ها و اطلاعات گردآوری شده در دو گام صورت گرفته است:

• گام اول

در گام اول پس از جمع آوری اطلاعات و داده های مستخرج از پرسش نامه ها، حاصل جمع داده ها، فراوانی و میانگین آن ها مورد ارزیابی قرار گرفته است.

نتایج و یافته های حاصل به صورت جمع کل و میانگین درصد امتیاز رای دهندگان به هر مولفه به تفکیک در شکل های (۲) الی (۹) درج گردیده است.

۱. بحث و بررسی نتایج حاصل از گام اول

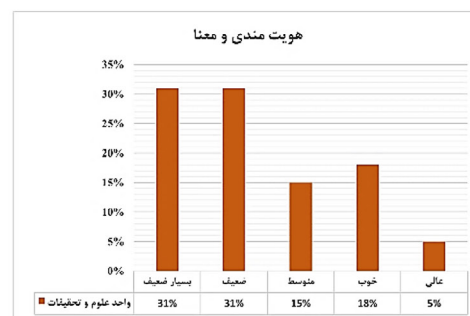
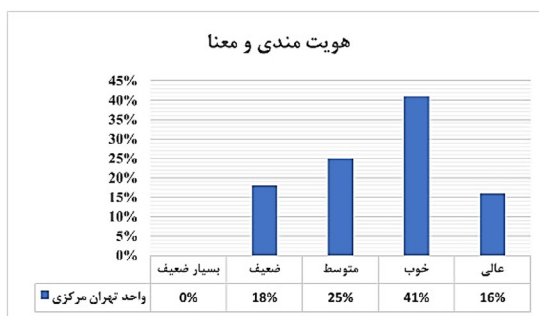
بر این مبنا هشت مولفه پایداری اجتماعی که بر ارتقا کیفی دانشکده های معماری موثرند شامل: هویت مندی و معنا، ساختارهای اجتماعی، انسان گرایی، ساختار فضایی، امنیت و ایمنی، ساختار کالبدی، طبیعت گرایی، امکانات و زیرساخت ها در دو جامعه هدف مورد سنجش قرار گرفتند.

۱. هویت مندی و معنا

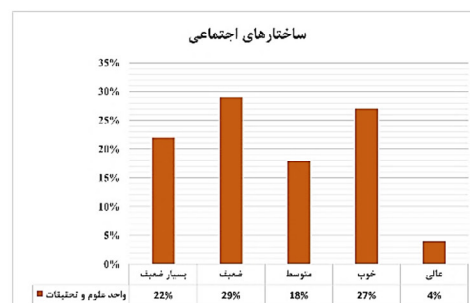
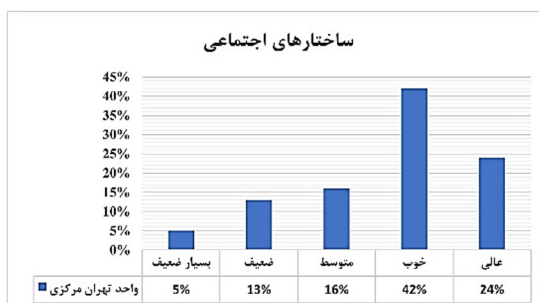
هویت و معنا، مجموعه ای از پدیده های مادی، زیستی، فرهنگی و روانی است که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه یا فرهنگی از فرهنگی دیگر می گردد. محتوای این بستر هویتی و معنایی به اقتضای هر جامعه متمایز، و بیانگر گونه ای از وحدت، اتحاد، هم شکلی، تداوم، استمرار، یکپارچگی و عدم تفرقه است (محرمی، ۱۳۸۳). بر مبنای نتایج حاصل از مرحله اول جمع آوری داده ها که به شیوه مصاحبه و به روش دلفی صورت گرفته است، هویت و معنا گرایی در ساختار فیزیکی و معنوی فضای دانشکده های هنر و معماری، به عنوان یکی از مولفه های پایداری اجتماعی مکان و زیرمجموعه نیازهای ذهنی و غیر عینی کاربران این گونه فضاها به شمار می رود. طی نظرسنجی به عمل آمده ۴۱٪ دانشجویان واحد تهران مرکز میزان ادراک این مولفه از فضای دانشکده را خوب، ۱۶٪ عالی و ۲۵٪ متوسط دانسته اند. این میزان در میان دانشجویان واحد علوم و تحقیقات به ۱۸٪ خوب، ۵٪ عالی و ۱۵٪ متوسط برآورد شده است (شکل ۲).

۲. ساختارهای اجتماعی

یکی از عناصر اصلی مفهوم پایداری اجتماعی، تعهد به انسجام اجتماعی و نیاز به تقویت مشارکت کاربران فضا در امور عمومی به شمار می رود؛ به گونه ای که مشارکت فعال در اجتماع را به دنبال خواهد داشت (Omann and Spangenberg, 2002). با این رویکرد شکل گیری ساختارهای اجتماعی و ارتقا انسجام و همبستگی بر افزایش پایداری اجتماعی مکان در بستر کالبد فضایی مناسب موثر خواهد بود. پولس و استرن، پایداری اجتماعی را با تکامل جامعه مدنی که منجر به همزیستی مسالمت آمیز گروه های متنوع به لحاظ فرهنگی و اجتماعی که نهایتاً منجر به ادغام اجتماعی می گردد، سازگار می داند (Polese and Stern, 2000). بر اساس نظرات دانشجویان شرکت کننده در طرح پژوهش، پتانسیل و بسترهای فضایی، کالبدی و عملی شکل گیری شبکه های اجتماعی دانشکده واحد تهران مرکز، ۴۲٪ خوب، ۲۴٪ عالی و ۱۶٪ درصد متوسط ارزیابی گردیده است. این بستر از دیدگاه دانشجویان واحد علوم و تحقیقات به ترتیب، ۲۷٪ خوب، ۴٪ عالی و ۱۸٪ متوسط اعلام شده است (شکل ۳).



شکل ۲. ارزیابی تاثیر مولفه هویت مندی و معناگرایی بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 2. Evaluating the Impact of Identity and Meaning-Oriented Components on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch



شکل ۳. ارزیابی تاثیر مولفه ساختارهای اجتماعی بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 3. Evaluation of the Impact of Social Structure Component on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch

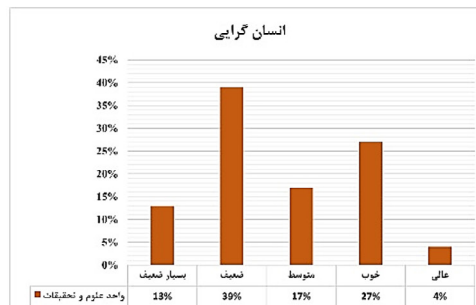
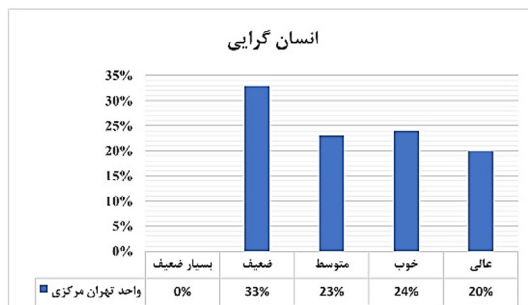
۴. ساختار فضایی

کیفیت ساختار فضایی و نقش مولفه‌های ادراکی در شکل‌دهی به فضاهای مختلف و چگونگی تاثیر متقابل محیط و فضای ساخته شده، بر ذهنیات و رفتارهای انسانی به عنوان یکی از پارامترهای پایداری اجتماعی، مورد توجه طراحان و برنامه ریزان محیطی قرار دارد. فضای مطلوب و با کیفیت، حس آرامش و لذت را در ذهن مخاطب القا نموده و احساس حضور و بودن در مکان را در وی زنده می‌سازد (فلاح و نوحی، ۱۳۹۱). کیفیت ساختار فضایی از دیدگاه دانشجویان معماری واحد تهران مرکزی، به ترتیب ۴۰٪ خوب، ۱۰٪ عالی و ۲۳٪ متوسط ارزیابی و این موضوع از دیدگاه دانشجویان معماری واحد علوم و تحقیقات، به ترتیب با ۳۳٪ خوب، ۶٪ عالی و ۱۵٪ متوسط اعلام گردیده است (شکل ۵).

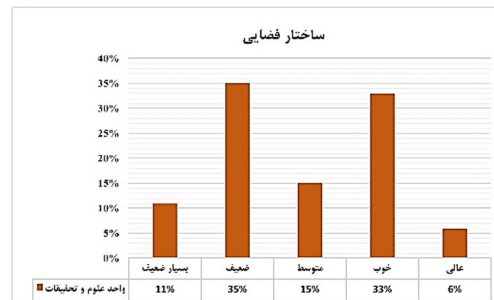
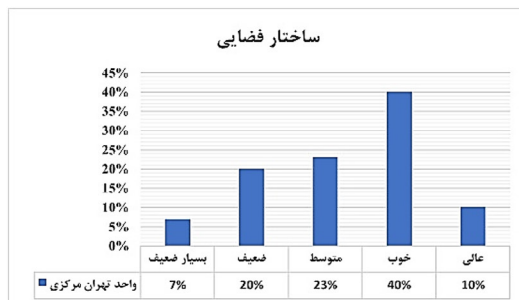
۳. انسان‌گرایی

دیدگاه انسان‌محور در پایداری اجتماعی، انسان و کیفیت زندگی او را مورد توجه قرار می‌دهد؛ و بر اصول برابری اجتماعی و برطرف شدن نیازهای مادی و معنوی او در محیطی دارای یکپارچگی اجتماعی تاکید می‌نماید (ملانیا جلودار و همکاران، ۱۳۹۹).

توجه به انسان و رویکردهای انسانی در کالبد فضایی واحد تهران مرکزی از دیدگاه دانشجویان ۲۴٪ خوب، ۲۰٪ عالی و ۲۳٪ متوسط ارزیابی گردیده‌است. دانشجویان معماری واحد علوم و تحقیقات توجه به نیازهای انسانی در دانشکده خود را به ترتیب، ۲۷٪ خوب، ۴٪ عالی و ۱۷٪ متوسط اعلام نموده‌اند (شکل ۴).



شکل ۴. ارزیابی تاثیر مولفه انسان گرایی بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 4. Evaluation of the Impact of the Human-Centeredness Component on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch



شکل ۵. ارزیابی تاثیر مولفه ساختار فضایی بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 5. Evaluation of the Impact of the Spatial Structure Component on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch

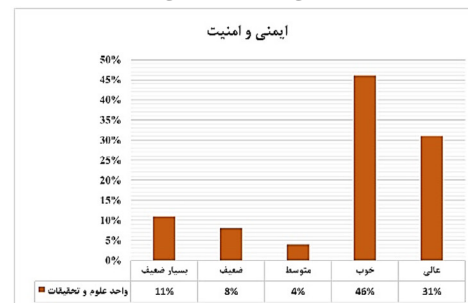
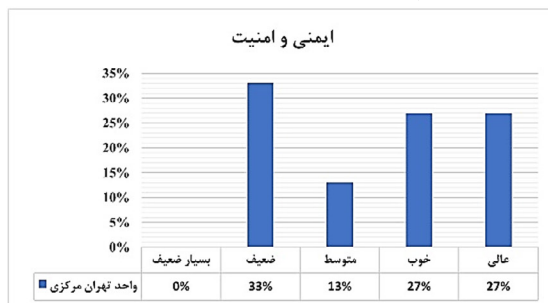
۵. امنیت و ایمنی

تین و همکاران، پایداری اجتماعی را شامل چهار معیار اصلی عدالت اجتماعی، همبستگی منابع اجتماعی، مشارکت و امنیت می‌دانند (Thinh et al., 2002).

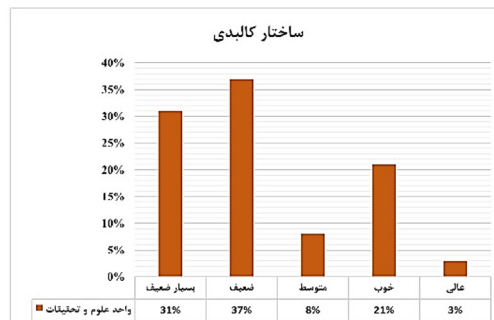
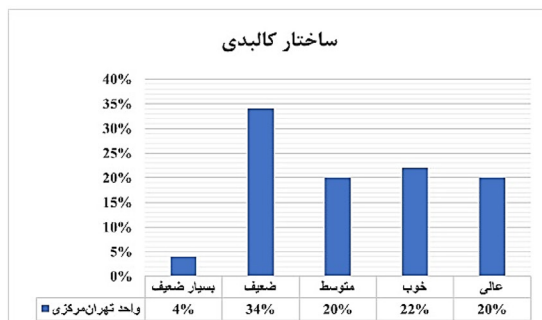
امنیت به عنوان یکی از مولفه‌های پایداری اجتماعی مکان، امری ذهنی و تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی، روانی و کالبدی به شمار می‌رود؛ که افزایش آن، سلامت و پویایی فضای اجتماعی را در پی خواهد داشت. میزان حس امنیت از حضور در فضای دانشکده، به لحاظ کالبدی و ذهنی، از دیدگاه دانشجویان معماری، واحد تهران مرکزی، به ترتیب ۲۷٪ خوب، ۲۷٪ عالی و ۱۳٪ متوسط ارزیابی و این موضوع از دیدگاه دانشجویان معماری واحد علوم و تحقیقات، به ترتیب با ۴۶٪ خوب، ۳۱٪ عالی و ۴٪ متوسط اعلام گردیده است (شکل ۶).

۶. ساختار کالبدی

هر دانشگاه و فضای آموزشی، کالبد فیزیکی تعریف شده‌ای دارد که



شکل ۶. ارزیابی مولفه امنیت و ایمنی بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 6. Evaluation of the Security and Safety Component's Impact on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch



شکل ۷. ارزیابی تاثیر مولفه ساختار کالبدی بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 7. Evaluation of the Impact of the Physical Structure Component on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch

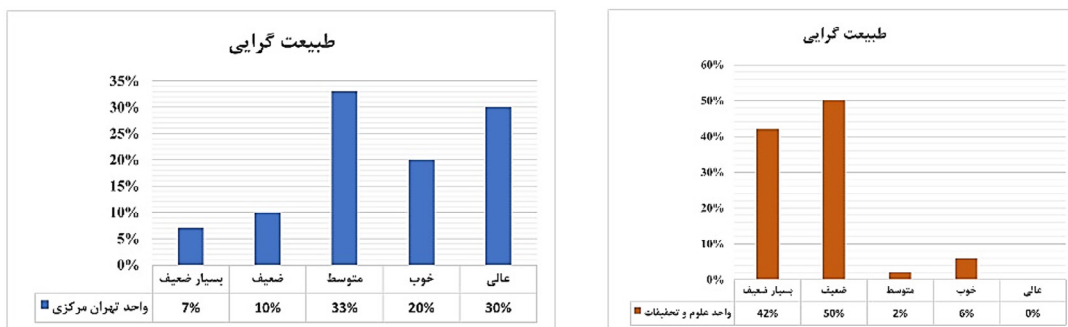
۷. طبیعت گرایی

طبیعت به عنوان مهم‌ترین متغیر محیطی، همواره نقش بسیار مهمی در پاسخ به نیازهای متنوع انسان ایفا کرده و از الهام بخش‌ترین عوامل محیط پیرامون انسان به شمار می‌رود. طبیعت علاوه بر تامین نیازهای مادی و معنوی انسان، به عنوان نظامی هماهنگ و قابل بهره‌برداری و تاثیرگذار در زندگی انسان‌ها و جوامع به شمار می‌رفته است (نقابی و همکاران، ۱۳۹۹).

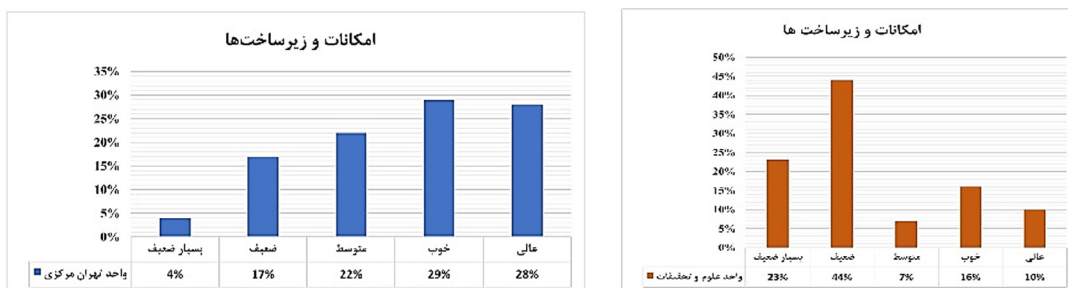
بر این مبنا طبیعت‌گرایی، ارتباط با طبیعت و رویکردهای حفاظت از آن، از دیدگاه دانشجویان معماری واحد تهران مرکزی، به ترتیب ۲۰٪ خوب، ۳۰٪ عالی و ۳۳٪ متوسط ارزیابی و این موضوع از دیدگاه دانشجویان معماری واحد علوم و تحقیقات، به ترتیب با ۶٪ خوب و ۲٪ متوسط اعلام گردیده است (شکل ۸).

۸. امکانات و زیرساخت‌ها

از مهم‌ترین عناصر پایداری اجتماعی که در منابع مختلف به آن اشاره گردیده‌است، رفع نیازهای پایه به منظور پرورش توانایی فردی و مسئولیت اجتماعی است (Baines and Morgan, 2004). بنابراین تامین نیازهای اولیه و رفاهی، به موازات توجه به نیازهای ویژه در رشته‌های هنر و معماری، در شکل‌گیری و ارتقا یست پایداری اجتماعی مکان تاثیر به سزایی خواهد داشت. بر این مبنا میزان امکانات و زیرساخت‌های دانشگاهی، تناسب امکانات با عملکرد، تامین آسایش حرارتی و امکانات رفاهی، از دیدگاه دانشجویان معماری واحد تهران مرکزی، به ترتیب ۲۹٪ خوب، ۲۸٪ عالی و ۲۲٪ متوسط ارزیابی و این موضوع از دیدگاه دانشجویان معماری واحد علوم و تحقیقات، به ترتیب با ۱۰٪ خوب، ۱۰٪ عالی و ۷٪ متوسط اعلام گردیده است (شکل ۹).



شکل ۸. ارزیابی مولفه طبیعت‌گرایی بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 8. Evaluation of the Impact of the Biophilic Design Component on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch



شکل ۹. ارزیابی مولفه امکانات و زیرساخت‌ها بر پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی
Figure 9. Evaluation of the Facilities and Infrastructure Component on the Social Sustainability of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch and the Central Tehran Branch

• گام دوم

در مرحله بعد و بار دیگر، داده‌ها از طریق روش آنتروپی شانسون مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته‌اند. به کمک این فرمول که از دقت بالاتری نسبت به فراوانی داده‌ها برخوردار است، می‌توان بار اطلاعاتی هر مولفه و سپس وزن آن را محاسبه نمود (آذر، ۱۳۸۰).

به منظور استفاده از این فرمول ابتدا داده‌های جدول فراوانی از طریق رابطه ۱ به هنجار می‌شود. در این فرمول F_{ij} امتیاز به هنجار شده و P_{ij} امتیاز هر پاسخ گو به مقوله مورد نظر است. پس از آن بار اطلاعاتی هر مقوله از طریق رابطه ۲ محاسبه می‌گردد. در این رابطه m تعداد پاسخ گویان و n نیز تعداد مقوله‌هاست. سپس وزن هر مولفه و شاخص از طریق رابطه ۳ به دست می‌آید.

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln(P_{ij})] \quad j \in 1 \dots n \quad k = \frac{1}{\ln(m)}$$

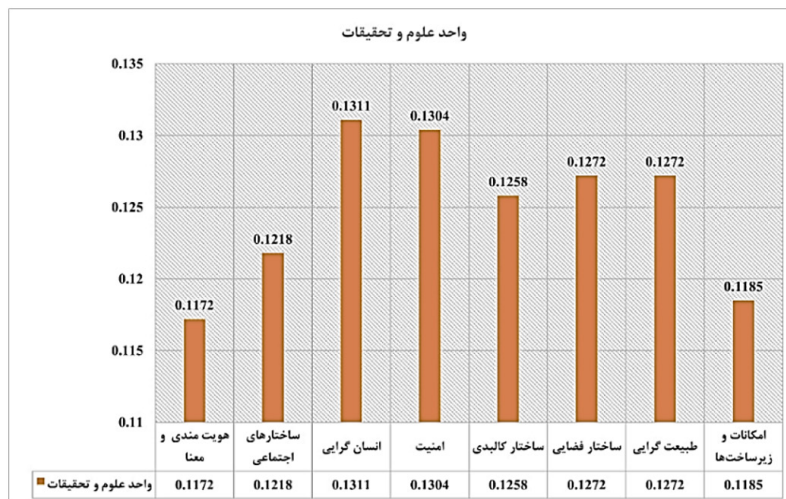
$$W_{ij} = \frac{E_{j-1}}{\sum_{j=1}^n (E_j - 1)}$$

بر اساس نتایج حاصل از نظرسنجی ها و تحلیل داده ها به روش الگوریتم شانون، مولفه های پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات، انسان گرایی و امنیت، دارای بیشترین وزن و امکانات و هویت مندی دارای کمترین وزن هستند (شکل ۱۰).

رابطه ۲: ارزیابی به صورت سنجش ۸ مولفه (هویت مندی و معنا، انسان گرایی، امنیت، طبیعت گرایی، ساختارهای اجتماعی، ساختارهای فضایی، ساختارهای کالبدی و امکانات) در هر دانشکده به صورت مجزا از دیدگاه دانشجویان همان دانشکده، و وزن هر مولفه به صورت عددی اعشاری در بازه ۰-۱ و با دقت ۰/۰۰۰۱ بیان می گردد.

$$P_{ij} = \frac{F_{ij}}{\sum_{i=1}^m} \quad (i=1,2,\dots,m; j=1,2,\dots,n)$$

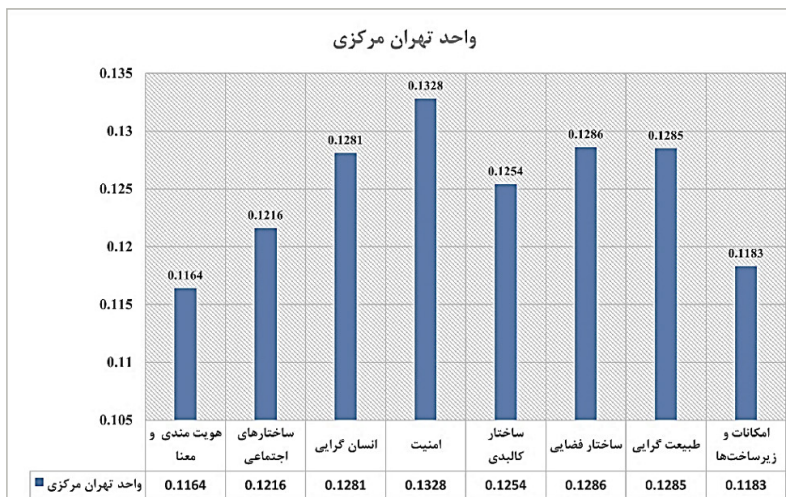
رابطه ۱



شکل ۱۰. ارزیابی مولفه های پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد علوم و تحقیقات به روش الگوریتم شانون

Figure 10. Evaluation of the Social Sustainability Components of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Science and Research Branch Using the Shannon Algorithm Method

همچنین، بر اساس داده های جمع آوری گردیده، از میان مولفه های پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد تهران مرکزی، امنیت و ساختار فضایی، دارای بیشترین وزن و هویت مندی، دارای کمترین وزن می باشد (شکل ۱۱).



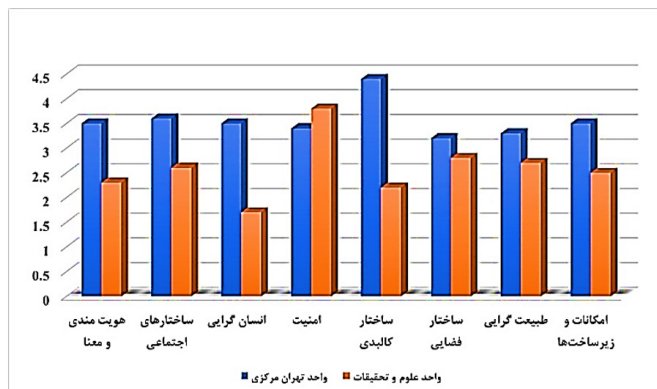
شکل ۱۱. ارزیابی مولفه های پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد تهران مرکزی به روش الگوریتم شانون

Figure 11. Evaluation of the Social Sustainability Components of Place in the Faculty of Art and Architecture at the Tehran Central Branch Using the Shannon Algorithm Method

نتیجه‌گیری

با رویکرد کیفی به تدوین مدلی مفهومی و چارچوب نظری پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده‌های هنر و معماری می‌پردازد. در ادامه به منظور سنجش این مولفه‌ها در فضای دانشگاهی، به ارزیابی قیاسی دو دانشکده هنر و معماری منتخب کشور پرداخته می‌شود. مدل مفهومی ارائه شده بر اساس دو بعد عینی و ذهنی نیازهای انسانی، هشت مولفه هویت‌مندی و معنا، ایمنی و امنیت، ساختارهای اجتماعی، انسان‌گرایی، ساختارهای فضایی، طبیعت‌گرایی، ساختار کالبدی، امکانات و زیرساخت‌ها و در مجموع ۳۲ شاخص را در برمی‌گیرد. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها که به روش الگوریتم شانون در کنار میانگین‌گیری و فراوانی صورت گرفته است، مولفه امنیت و ایمنی در واحد علوم و تحقیقات با میانگین امتیاز (۳/۸) نسبت به واحد تهران مرکزی با میانگین امتیاز (۳/۴) وضعیت مناسب‌تری دارد. در حالی که در سایر مولفه‌ها از دیدگاه دانشجویان واحد تهران مرکزی، این دانشکده وضعیت مطلوب‌تری نسبت به واحد علوم و تحقیقات از دیدگاه دانشجویان خود دارد. میانگین امتیازها در بازه ۵-۰ محاسبه گردیده است (شکل ۱۲).

فضای کالبدی دانشگاه‌ها زمینه ساز و بستر تعامل و پرورش پژوهشگران و دانشجویانی است که با هدف ارتقا دانش و مهارت حرفه‌ای و نقش مطلوب در جامعه در این فضای آموزشی گام نهاده‌اند. نیل به این هدف نیازمند شناخت اصول و مبانی پایه در طراحی کالبدی و نیز ارزیابی عوامل مداخله‌گر شناختی، ادراکی و محیطی است. این مهم در دانشکده‌های رشته‌های هنری و معماری به لحاظ ویژگی‌های ساختاری و کالبدی خاص، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دانشجوی رشته‌های هنر و معماری نیازمند بستری به منظور شناخت قابلیت‌ها و پتانسیل‌های فردی در جهت پیوند با جهان پیرامون با هدف ارتقاء کیفی محیط و کالبد زندگی است. رشدیافتگی، خردمندی، مهارت و تجربه یافتگی دانش پژوه، علاوه بر جنبه‌های آموزشی، نیازمند بستر و فضایی است که فرد در آن حس تعلق و مالکیت معنوی را تجربه نماید و با دستیابی به انسجام و هماهنگی اجتماعی در پایداری آن بکوشد. به منظور دستیابی به الگوهای مطلوبیت فضایی که در بازه زمانی طولانی، پایداری کالبد و محیط را تضمین می‌نماید، پژوهش حاضر



شکل ۱۲. ارزیابی قیاسی و سنجش مولفه‌های پایداری اجتماعی مکان در فضای دانشکده هنر و معماری واحد تهران مرکزی و واحد علوم و تحقیقات
Figure 12. Comparative Evaluation and Measurement of Social Sustainability Components of Place in the Faculty of Art and Architecture at Tehran Central Branch and Science and Research Branch

به حضور طولانی‌تر و تعامل بیشتر تشویق می‌کند. ارتباط با طبیعت در محیط دانشگاه باعث افزایش سرزندگی و نشاط فضا می‌شود و فراهم آوردن امکانات تخصصی مرتبط با رشته معماری، رضایت کاربران را ارتقا می‌دهد. فضای کالبدی که گفت‌وگوی موثر بین دانشجویان و اساتید را تسهیل کند، به تعاملات علمی و پژوهشی کمک می‌کند. طراحی سلسله‌مراتبی، منسجم و جذاب فضا باعث افزایش پیوستگی محیط و ترغیب دانشجویان به فعالیت می‌شود. ایجاد فضاهای اشتراکی برای انجام پروژه‌ها نیز ارتباطات اجتماعی و همبستگی میان دانشجویان را تقویت می‌کند. محوریت دادن به انسان و حفظ کرامت وی، حس تعلق به مکان را افزایش داده و تعادل خدمات رفاهی موجب رضایت و ماندگاری دانشجویان می‌شود. همچنین، طراحی فضاهای آموزشی باید

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برای ارتقا کیفیت فضای آموزشی دانشکده‌های معماری و تحقق پایداری اجتماعی مکان، مجموعه‌ای از راهکارهای اساسی ضروری است. ابتدا باید سلسله‌مراتب نیازهای انسانی در فضاهای آموزشی تامین شود، چرا که این امر زیربنای پایداری اجتماعی است. انتخاب موقعیت مناسب برای دانشکده و طراحی کارآمد مسیرهای حرکت در فضای داخلی، دسترسی‌پذیری و سهولت رفت‌وآمد را تضمین می‌کند. همچنین، وضوح و خوانایی فضاها، انعطاف‌پذیری طراحی و تناسب ابعاد، نقش مهمی در بهبود کیفیت محیط داخلی دارند. استفاده از معماری بومی و توجه به تفاوت‌های فرهنگی، حس مالکیت معنوی و رضایتمندی کاربران را افزایش داده و در نگهداری بهتر محیط موثر است. ایجاد فضایی امن و ایجاد حس ایمنی، دانشجویان را

فهرست مراجع

۱. آذر، عادل. (۱۳۸۰). بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پرورش داده‌ها در علوم انسانی، نشریه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳۷ و ۳۸.
۲. اسلامی، سید غلامرضا؛ نقدی، رضا. (۱۳۹۱). مدلسازی راهبردهای ساختاری دانشکده معماری پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران با اقتباس از تجربیات گذشته. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۵(۹)، ۱۷-۱.
۳. انصاری، شهربانو؛ تقوایی، علی اکبر؛ رفیعیان، مجتبی. (۱۳۹۶). پایداری اجتماعی و چارچوب مفهومی آن، کنفرانس بین‌المللی عمران معماری و شهرسازی ایران معاصر، ایران تهران.
۴. بدری بنام، نسیم؛ موسوی، میرسعید؛ اکبری نامدار، شبنم؛ ایران زاده، سلیمان. (۱۳۹۹). تبیین الگوی پایداری اجتماعی مکان با هدف ارتقاء کیفیت مکان در فضاهای آموزشی (نمونه موردی: دانشکده معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز). فصلنامه هویت شهر، ۱۴(۴۴)، ۳۳-۴۶.
۵. بدری بنام، نسیم؛ موسوی، میرسعید؛ اکبری نامدار، شبنم؛ ایران زاده، سلیمان. (۱۳۹۸). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل موثر بر پایداری اجتماعی مکان در فضای آموزشی (نمونه موردی: دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز). فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایمن، ۲(۵)، ۳۲-۱۵.
۶. برادبنت، جفری. (۱۳۸۹). با برادبنت درباره معماری، به کوشش حمید ندیمی، ترجمه نیلوفر رضوی، هدیه نوربخش و کیوان جورابچی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۷. پورطاهری، مهدی؛ زال، ابودر؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۰). ارزیابی و اولویت‌بندی پایداری اجتماعی در مناطق روستایی؛ مطالعه موردی: روستاهای شهرستان خرم‌بید استان فارس. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۴(۳)، ۴۹-۱۹.
۸. جاویدان، مجتبی؛ رکن الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۸۹). ارزیابی شاخص‌های پایدار اجتماعی در حوزه‌های روستایی بخش سربند (شهرستان شازند-استان مرکزی)، مجله کاربرد سیستم اطلاعات جغرافیایی و سنجش از دور در برنامه‌ریزی، دوره ۶، شماره (۱)، پیاپی (۱)، صص ۶۸-۴۵.
۹. چاووشی ساروی، سیده فاطمه؛ جلالی مطهری، ستاره‌السادات. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه فرهنگ و نیازهای انسان در معماری بومی تبرستان با رویکرد پایداری اجتماعی، کنفرانس بین‌المللی مهندسی معماری و شهرسازی، تهران.
۱۰. حاجی‌آقابرزگ، آمنه؛ چرخچیان، مریم؛ قبادیان، وحید. (۱۴۰۰). کاوشی بر نقش مولفه‌های کالبدی - عملکردی فضاهای میانی بر ارتقاء دلبستگی به فضاهای مسکونی. مجله مطالعات جامع در مدیریت شهری، ۸ (زمستان)، ۵۰-۳۷.

انعطاف‌پذیر و چندمنظوره باشد تا پاسخگوی نیازهای متنوع آموزشی و پژوهشی باشد. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین هوشمند می‌تواند تعامل و یادگیری فعال را تقویت کند. دسترسی‌پذیری کامل، به ویژه برای افراد دارای معلولیت، از اصول کلیدی عدالت اجتماعی است که باید رعایت شود. مشارکت مستمر دانشجویان در فرآیند طراحی و بازنگری فضاها، حس مسئولیت‌پذیری و رضایت آن‌ها را افزایش می‌دهد. ایجاد فضاهای باز و نیمه‌باز برای تعاملات غیررسمی و ترویج فرهنگ حفظ محیط کالبدی از عوامل مهم پایداری مکان محسوب می‌شود. همچنین، توجه به معیارهای زیست‌محیطی و بهره‌وری انرژی به حفظ منابع طبیعی و ایجاد محیطی سالم کمک می‌کند. در نهایت، تدوین سازوکارهای پایش و ارزیابی مستمر کیفیت فضا بر اساس بازخورد کاربران، امکان شناسایی نقاط قوت و ضعف و بهبود مستمر را فراهم می‌آورد. این مجموعه راهکارها می‌توانند پایه‌ای مستحکم برای ارتقاء کیفیت فضای دانشکده‌های معماری ایجاد کرده و نقش مهمی در تحقق اهداف آموزش عالی پایداری و رضایت کاربران ایفا نمایند.

پی‌نوشت

1. Dixon & Colantonio
2. Neil Dempsey, Clare Brown, Graham Bramley
3. Linda Groat and David Wang
4. Broadbent

نقش نویسندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "تبیین مدل راهبردی ارتقاء کیفیت فضایی کالبدی دانشکده هنر و معماری با رویکرد پایداری اجتماعی، مورد پژوهی دانشکده‌های منتخب هنر و معماری ایران" می‌باشد که با راهنمایی نویسنده دوم (خانم دکتر لیبب زاده) و مشاوره نویسنده سوم (جناب آقای دکتر ذبیعی) در گروه معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، در دست انجام است.

تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.

تقدیر و تشکر

از حمایت مسئولین دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات و واحد تهران مرکزی که در توزیع پرسش‌نامه‌ها همکاری و مساعدت نمودند کمال تشکر را دارد.

۱۱. حبیب‌پور گتایی، کرم. (۱۴۰۱). صورت‌بندی تجربی شاخص‌های پایداری اجتماعی و فرهنگی شهر تهران. نشریه توسعه محلی (روستایی-شهری). (۲)۱۴، صص ۳۹۴-۳۷۱.
۱۲. حبیبی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). طراحی مسکن با رویکرد پایداری اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
۱۳. حسن‌زاده، زهرا، و فرخ‌زاد، محمد. (۱۳۹۶). مروری بر شاخص‌های پایداری اجتماعی در معماری و شهرسازی. سومین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری.
۱۴. حمزوی، راضیه. (۱۳۸۹). بررسی کارکرد مدارس اجتماعی با تاکید بر اندیشه‌های پایداری اجتماعی. گزارش سازمان نظام مهندسی ساختمان استان فارس، ۱۹ (۶۶۶۷-۶۶)، ۹۴-۹۹.
۱۵. رجبی، آریتا؛ سبحانی، نوبخت. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص پایداری در بین کشورهای آسیایی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۸، شماره ۴، صص ۷۴۹-۷۳۳.
۱۶. رحیمی، لیلا؛ قاسم‌زاده، بهنام. (۱۳۹۵). تبیین و ارزیابی مولفه‌های موثر بر کیفیت فضای دانشکده‌های معماری از دیدگاه دانشجویان: مطالعه‌ای در دانشکده‌های معماری دانشگاه‌های تبریز، هنر اسلامی و آزاد تبریز. مرمت و معماری ایران، ۶ (۱۱)، ۹۰-۷۷.
۱۷. رحیمی‌مند، مریم؛ عباس‌پور، عباس. (۱۳۹۴). تاثیر شیوه‌های جدید آموزش بر خلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانشجویان. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴ (۴)، ۱۴۲-۱۱۹.
۱۸. رشنوفر، آیت؛ میرزایی، مصطفی؛ محمودیان، فخرالدین؛ عارفی، مسلم. (۱۳۹۴). جایگاه رشد هوشمند شهر در توسعه پایدار شهری، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.
۱۹. زنگنه، مهدی؛ بنی‌اسد، طیبه؛ خاوریان، عاطفه. (۱۳۹۹). بررسی پایداری اجتماعی در شهرک‌های جدید (نمونه موردی: شهرک مهرگان در مشهد)، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، دانشگاه مازندران، سال هفتم، شماره ۲۲، ۱۲۹-۱۱۳.
۲۰. شجاع، حامد؛ سجاذزاده، حسن؛ (۱۳۹۴). چگونگی استفاده از فضاهای باز در مجتمع‌های تجاری برای برقراری پایداری و تعامل اجتماعی، کنفرانس ملی مهندسی معماری، عمران و توسعه کالبدی، کوه‌دشت.
۲۱. شیعه، اسماعیل؛ دانش‌پور، سیدعبداله‌ادی؛ روستا، مریم. (۱۳۹۶). تدوین مدل شاخص‌های مکانی پایداری اجتماعی به کمک روش دلفی و تکنیک شانون، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۱۹، صص ۱۲۹-۱۱۹.
۲۲. شیعه، سید محمد؛ حسن‌پور، حسین؛ اسدی، علی. (۱۳۹۶). بررسی مولفه‌های مکانی موثر بر ارتقاء پایداری اجتماعی. فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی، ۲۶، ۲۳-۱.
۲۳. صادقی نیارکی، زهرا؛ صنایعیان، هانیه. (۱۳۹۴). الگوهای کالبدی معماری با رویکرد پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
۲۴. ضرغامی، اسماعیل. (۱۳۸۹). اصول پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در شهرهای ایرانی اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، سال اول شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۰۳.
۲۵. ضرغامی، سید محمد؛ عظمتی، محمد علی. (۱۳۹۲). طراحی دانشگاه و تاثیر آن بر حس مکان (نمونه موردی: پردیس دانشگاه هنر اصفهان). نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، ۱۸ (۱)، ۶۰-۵۱.
۲۶. عزیززاده، مهسا. (۱۳۹۴). تدوین شاخص‌های پایداری اجتماعی در عرصه همگانی. فصلنامه پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری، ۴ (۲)، ۳۴-۲۳.
۲۷. علی‌الحسابی، مهران؛ نوروزیان ملکی، سعید. (۱۳۸۷). مدارس معماری مکان آموزش یا محل تعلیم؟ نگاهی به تجربه آموزشی طراحی معماری، سومین همایش آموزش معماری، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. علی‌تاجر، سعید؛ زارعی حاجی‌آبادی، فاطمه. (۱۳۹۵). نقش محیط ساخته‌شده در تعاملات دانشجویان در فضاهای غیررسمی مدارس معماری: نمونه موردی دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا و پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران. مجله هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۲۱ (۱)، ۹۰-۷۹.
۲۹. فرح‌بخش دقیق، رضا؛ محمدی، مریم. (۱۴۰۰). مروری بر اهمیت پایداری اجتماعی در برنامه ریزی راهبردی، نشریه هنر مدیریت سبز، صص ۲۳-۷.
۳۰. فکوربان، فلورا؛ حمزه‌نژاد، مهدی. (۱۳۹۷). ساختمان دانشکده معماری، زمینه پرورش خلاقیت دانشجویان معماری. فصلنامه علمی پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۸ (۲)، ۸۶-۴۳.
۳۱. فلاحت، محمد صادق؛ نوحی، سمیرا. (۱۳۹۱). ماهیت نشانه‌ها و نقش آن در ارتقای حس مکان فضای معماری، معماری و شهرسازی (هنرهای زیبا)، ۱۷ (۱)، صص ۲۵-۱۷.
۳۲. قادری، حیدر. (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی) از نظر اعضا هیات علمی و دانشجویان دانشگاه کاشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه کاشان.

۳۳. قانع‌راد، محمد امین؛ ابراهیم‌آبادی، حسین. (۱۳۸۹). تاثیر ساختار اجتماعی آموزش بر عملکرد دانشجویان، فصلنامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران، شماره ۴، ۲۷-۱.
۳۴. گروت، لیندا؛ وانک، دیوید. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی فر، تهران: دانشگاه تهران.
۳۵. محرمی، توحید. (۱۳۸۳). هویت ایرانی - اسلامی ما در هویت ایران. پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. تهران.
۳۶. محمدی سرین دیزج، مهدی؛ سلامتی گبلو، شهرام؛ مهاجری نعیمی، لیلا. (۱۴۰۲). ارزیابی میزان پایداری اجتماعی مسکن در سکونتگاه‌های غیر رسمی (نمونه موردی: شهر اردبیل)، نشریه جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، سال ۱۳، شماره ۴۶.
۳۷. محمدی‌دوست، سلیمان؛ خانی‌زاده، محمدعلی؛ نمازیان، فریبا. (۱۳۹۷). سنجش میزان رضایتمندی از مسکن مهر با تاکید بر ابعاد پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: مسکن مهر شهر یاسوج)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، دوره سیزدهم، شماره ۱، صص ۲۶۶-۲۵۱.
۳۸. محمودی، آمنه؛ حمزه نژاد، مهدی؛ تقدیر، سمانه. (۱۴۰۲). اثر معماری مدرسه بر پایداری اجتماعی-فرهنگی در جوامع چند سطحی. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۹۷-۸۳.
۳۹. محمودی، امیرسعید. (۱۳۸۱). چالش‌های آموزش طراحی معماری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۲.
۴۰. ملانیا جلودار، شهرام؛ دانشوری نسب، عبدالحسین؛ مالمیر، مریم؛ رسولی، سیدحسن. (۱۳۹۹). سنجش پایداری اجتماعی در محلات مرکزی شهر بابل با رویکرد مدیریت یکپارچه، سال یازدهم، شماره ۳۸، ۹۷-۸۳.
۴۱. موسی کاظمی محمدی، سید مهدی. (۱۳۸۰). توسعه پایدار شهری: مفاهیم و دیدگاه‌ها. مجله تحقیقات جغرافیایی، ۱۶(۶۲)، ۹۴-۱۱۳.
۴۲. ندیمی، حمید. (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی راهبردی مدارس معماری، چرا و چگونه؟، مجله صفا، شماره ۴۷، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۴-۵.
۴۳. نسترن، مهین. (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های پایداری اجتماعی با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه (ANP). فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴(۲)، ۴۵-۲۳.
۴۴. نسترن، مهین؛ بصراوی، نرگس. (۱۳۹۵). نگاهی به تجارب جهانی در خصوص پایداری اجتماعی. ششمین کنفرانس بین‌المللی توسعه پایدار و عمران شهری.
۴۵. نقابی، محبوبه؛ هاشم‌پور، پریسا؛ آصفی، مازیار. (۱۳۹۹). تبیین کارکرد الگوهای برگرفته از طبیعت در معماری برای پاسخگویی به نیازهای انسان در دوره سنتی و معاصر، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی. سال هشتم، شماره بیست و هفتم. صص ۱۲۹-۱۱۳.
۴۶. نوری، الهام. (۱۳۹۸). فضاهای مفصلی، راهکاری در پایداری معماری. اندیشه معماری، ۵(۹)، ۱۳۴-۱۲۰.
۴۷. نوریان، فرشاد؛ عبدالهی ثابت، محمد مهدی. (۱۳۸۷). تبیین معیارها و شاخص‌های پایداری در محله مسکونی. نشریه شهرنگار، ۵۰، ۶۳-۴۹.
۴۸. وزیری، وحید. (۱۳۹۰). بهبود بهره‌وری فضاهای آموزشی با رویکرد به نقش بهره‌بردار (دانش آموز) در روند ساماندهی فیزیکی محیط، رساله دکتری، دانشکده معماری و طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت.
۴۹. یزدی، الهام؛ احمدی، یوسف. (۱۳۹۰). سنجش بهره‌وری موسسات آموزش عالی با استفاده از تحلیل پوشش داده‌ها. فصلنامه راهبردهای آموزش، دوره چهارم، شماره ۳(۱۳).
50. Ahmed, S., & Thompson, K. (2020). Spatial dynamics and student engagement in architecture schools: A case study. *International Journal of Educational Research*, 104, 101692. <https://doi.org/10.1016/j.ijer.2020.101692>
51. Baines J., Morgan B. (2004). Sustainability Appraisal: A Social Perspective. In B. Dalal-Clayton and B. Sadler (Eds). *Sustainability appraisal: a review of international experience and practice*. London: International Institute For Environment and Development.
52. Chan E., Lee G. K. L. (2008). Critical factors for improving social sustainability of urban renewal projects, social indicators research, 243-256.
53. Colantonio, A. (2009). *Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice*. Belgium: Sustainable Development -A Challenge for European Research, Brussels.

54. Dempsey, Neil., Brown, Clare., Bramley, Graham. (2009). The social dimension of sustainable development: Defining urban social sustainability. *Sustainable Development*, 19(5), 289-300. <https://doi.org/10.1002/sd.417>
55. Dixon, T., Julien, P. (2020). Designing for social sustainability in higher education campuses. *Environment and Behavior*, 52(1), 3–26. <https://doi.org/10.1177/0013916519834283>
56. Dixon, Tim., Colantonio, Antonio. (2009). Social sustainability: A review and critique of traditional urban regeneration and a consideration of new models of urban sustainability.
57. García-Almirall, M. P., et al. (2021). Social sustainability and quality of life in university campuses. *Sustainable Cities and Society*, 68, 102759. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2021.102759>
58. Garip, B., & Garip, E. (2012). Addressing Environmental Design in Interior Architecture Education: Reflections on the Interior Design Studio. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 51, 972-979.
59. Ghisleni, L. (2023). Participatory design and spatial belonging in higher education architecture. *Journal of Architecture and Urbanism*, 47(2), 135–149. <https://doi.org/10.3846/jau.2023.15789>
60. González, R., & Martínez, L. (2023). Impact of studio design on architectural pedagogy: A global perspective. *Sustainability*, 15(4), 3145. <https://doi.org/10.3390/su15043145>
61. Goodland, R. (2003). *Sustainability Human, Social, Economic and Environmental*. USA: World Bank Washington DC.
62. Kazemi, F., et al. (2022). Spatial quality and social satisfaction in educational environments. *Building and Environment*, 210, 108735. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2021.108735>
63. Kurt, S. (2009). An analytic study on the traditional studio environments and the use of the constructivist studio in the architectural design education. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 1(1), 401-408.
64. Lee, J., et al. (2023). Smart campus technologies and social sustainability: Challenges and opportunities. *Journal of Cleaner Production*, 380, 135103. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2022.135103>
65. Manzi, T, Lucas, K, Jones, L. TONY, A, Judith. (2010). *Social sustainability in urban Areas, Communities, connectivity and the Urban Fabric*, Earth scan, London. McGill, Ronald (1998), *Urban Management in Developing Countries, Cities*, Vol. 15, No. 6, pp 463-471.
66. Omann, I. and Spangenberg, H. J. (2002). Assessing Social Sustainability, Sustainable Europe Research Institute SERI. *Proceedings of the 7th Biennial Conference of the International Society for Ecological Economics*, Sousse, 6-9.
67. Peters, M., Groat, L. (2021). Designing learning environments: The impact of spatial quality on architectural education. *Journal of Architectural Education*, 75(2), 198-212. <https://doi.org/10.1080/10464883.2021.1890234>
68. Polese, M. & Stern, R. (Eds.). (2000). *The social sustainability of cities: diversity and the management of change*. Toronto: University of Toronto Press.
69. Sharifi, A. (2019). Sustainability and social resilience: A review of concepts and frameworks. *Journal of Urban Planning*, 45(2), 123–137. <https://doi.org/10.1080/xxx.xxx.xxx>
70. Sharifi, A., & Yamagata, Y. (2020). Social sustainability in urban environments: An integrated approach. *Sustainability*, 12(3), 900. <https://doi.org/10.3390/su12030900>

71. Smith, J. (2022). Social sustainability in architectural education spaces: Between theory and lived experience. *Frontiers in Built Environment*, 8, Article 987654. <https://doi.org/10.3389/fbuil.2022.987654>
72. Thinh, N.X., Arlt, G., Heber, B., Hennersdorf, J., Lehmann, I. (2002), Evaluation of urban land-use structures with a view to sustainable development, *Environmental Impact Assessment*, Vol. 22, No.5, pp 475-492
73. Turner T. (1996). *City as Landscape*, E&FN Spon press, London.
74. UN-HABITAT. (2004). *Financing Urban Shelter*, Earthscan.
75. Wu, Y., Zhao, J. (2022). The role of physical learning environments in enhancing creativity and collaboration among architecture students. *Building and Environment*, 208, 108556. <https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2021.108556>



© 2025 by author(s); Published by Science and Research Branch Islamic Azad University, This work for open access publication is under the Creative Commons Attribution International License (CC BY 4.0). (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

Comparative Evaluation of Social Sustainability Components in Faculties of Art and Architecture with an Emphasis on User Satisfaction (Case Study: Islamic Azad University, Science and Research Branch and Central Tehran Branch)

Mansoureh Farokhi, PhD Candidate, Department of Architecture, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Razieh Labibzadeh, Assistant Professor, Department of Architecture, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.*

Hosein Zabihi, Associate Professor, Department of urban Development, SR.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract

The physical environment of universities plays a pivotal role in fostering interaction, learning, and personal development among students and researchers. These environments serve not merely as functional spaces but as dynamic settings that shape academic, social, and psychological experiences. This significance is especially pronounced in faculties of art and architecture, where the spatial context must support the creative, perceptual, and design-oriented nature of education. Students in these disciplines require environments that stimulate imagination, encourage self-expression, and promote deep engagement with architectural form and function. Designing such environments necessitates a comprehensive understanding of spatial design principles in tandem with insights into cognitive, perceptual, and environmental influences on human behavior. Despite the growing global interest in social sustainability in academic settings, research specifically focused on the spatial aspects of social sustainability within Iranian faculties of art and architecture remains scarce. Addressing this gap, the present study aims to formulate a theoretical framework for place-based social sustainability and evaluate its impact on the spatial quality of educational environments in architecture and art faculties. The research concentrates on two campuses of Islamic Azad University: The Science and Research Branch and the Central Tehran Branch. Core questions guiding the investigation include identifying the key components that define place-based social sustainability in this specific academic context and examining how students perceive the spatial and physical quality of their educational environment through the lens of these components. Methodologically, the study employs an applied-developmental approach that integrates qualitative and quantitative strategies. Data were gathered through documentary review, expert interviews via the Delphi method, and structured questionnaires distributed among students, rooted in both objective and subjective human needs. This model comprises eight primary components: identity and meaning, safety and security, social structures, human-centeredness, spatial organization, biophilia, physical structure, and infrastructure and amenities. These are further delineated into 32 indicators that reflect crucial aspects of spatial and social quality. According to the analysis, the Science and Research Branch outperformed the Central Tehran Branch in terms of safety and security, with a mean score of 3.8 versus 3.4. Conversely, students at the Central Tehran Branch reported greater satisfaction in areas such as spatial structure, identity, and infrastructure, implying a more favorable perception of their physical environment. Ultimately, the research underscores the importance of integrating social sustainability principles into the design and planning of academic environments, particularly within creative disciplines. The conceptual framework introduced here provides a practical tool for assessing and enhancing spatial quality in higher education. By aligning spatial design with users' needs and lived experiences, institutions can cultivate more engaging, inclusive, and sustainable learning spaces. The results offer a valuable foundation for future research, policy development, and design interventions aimed at improving the quality of life and educational outcomes in university settings.

Keywords: Place-based social sustainability, Faculty of Art and Architecture, spatial quality, Science and Research Branch, Central Tehran Branch.

*Corresponding Author Email: labibzadeh11@iau.ac.ir